

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب

برلین - ۱۴ فبروری ۲۰۱۱

به مناسبت روز عاشقان از زهره تا رودابه

مؤمن ز دین بر آمد و صوفی ز اعتقاد
ترسا محمدی شد و عاشق همانکه هست
(بابا فغانی)

هاروت و ماروت دو فرشته مدعی منزلت آدمی، به زنی زیباروی عاشق گردیدند. هر دو فریفته او. آری دو ملک، دلدادۀ ”زهره“ یا ناهید شدند. به جزای سرپیچی از فرمان خداوندی، زهره یا اناهیتا، ستاره ایست در آسمان. رب النوع عشق، جمال، عیش، عشرت، شادی و طرب. و هاروت و ماروت به سراویزان هستند در چاهی از بابل، تا روز رستاخیز. آری، کبوتر جان “ای زهره، ای ستاره زیبای آسمان”

بابل من گنجۀ هاروت سوز

زهره من خاطر انجم فروز

(نظامی، مخزن الاسرار)

و عشق آسمان و زمین را به هم پیوست و آدمیان و فرشتگان را نا فرمان گردانید....
و داوود (ع) پیامبر ایزدی، عاشق ”بت شع“ گردید، همسر اوریا، و خشم خدا را برانگیخت.... و حضرت سلیمان، ثمرۀ این عشق، خود دلباختۀ بلقیس ملکه سبا شد....
و دستور عشق، پیامبر آفریدگار یکتا را به سوی اطاعت خویش کشانید.... آری، میان عاشقان فرقی نباشد.... چه هاروت و چه تهمینه، چه داوود....
.... و تهمینه، دختر شاه سمنگان بر رستم دل بباخت و جهان پهلوان فریفته این دوشیزۀ پریچهر و بسیار با بهره از دانش گردید. سهراب، میوه این عشق، تهمینه مادرش را در مرگش به عزا نشاند. همچون بسا مادرانی که در میهن ما و در هر گوشه و کنار جهان از چشم خون فشانده و در دل گریسته اند:

به روز و به شب مویه کرد و گریست

پس از مرگ سهراب، سالی بزیست

و زال پسر سام پهلوان، عاشق رودابه پاکدامن، دختر مهراب شاه فرمانروای کابل شد. رستم، بهره این عشق دو دل داده، همان گونه بر قتل پسر خود سهراب اشک ریخت که زال پدرش بر کشته شدن وی توسط شغاد. رودابه، نمونه ایست برای همه مادران کشور ما و در هر گوشه و کنار جهان که بر مرگ جگر گوشه های خویش اشک ریخته و به سوگواری نشسته اند.... حکایت عاشقی رودابه و زال از زیباترین داستانهای غنایی شهنامه فردوسی بشمار میرود. قصه مشهور رومئو و ژولیت اثر شکسپیر با زندگینامه زال و رودابه زیاد همانند بنظر می رسد.

فلك جز عشق محرابی ندارد

جهان بی خاک عشق، آبی ندارد

جهان عشقست و دیگر زرق سازی

همه بـــــازیست، الا عشق بازی

ز سوز عشق خوشتر در جهان نیست

که بی او گل نخندید، ابر نگریست

(نظامی گنجه ئی)

چه بسا عاشقانی که در میهن ما تیرباران گردیده و یا سنگسار شده اند. چه بسا، معیارهایی که واژه عشق دو انسان را بهم، غدغن ساخته اند و چه بسا حاکمانی که چنین ”کفاره“ هائی را برای عاشقان سرزمین دلباختگانی همچون رابعه بلخی فتوا داده اند. ای عاشقان ... ای عاشقان....

آسمان گرد عشق می گردد

بهر عشقست گنبد دوار

(مولوی بلخی)